

مرتضی مبلغ معاون سیاسی وزیر کشور دولت اصلاحات مطرح کرد

جامعه و قانون در دو مسیر متفاوت



سمیه منقی
■ توسعه سیاسی، به‌عنوان یکی از ارکان توسعه، در جهان امروزی بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌رادگر خود کرده است. در ابتدای بحث می‌خواستم تلقی خودتان را از توسعه سیاسی بیان کنید. آیا تنها رسیدن به دموکراسی به معنی دستیابی به توسعه سیاسی است؟

دموکراسی یکی از ابعاد توسعه سیاسی است و تنها رسیدن به دموکراسی به معنای دستیابی به توسعه سیاسی نیست. توسعه سیاسی اعم از دموکراسی است وبخش‌ها و ابعاد متفاوتی را شامل می‌شود. برای درک چیرستی توسعه سیاسی باید با ابعاد گوناگون آن آشنا شوم. نخستین پارامتر قانون‌مداری است. در جامعه توسعه یافته از لحاظ سیاسی قانون حرف اول را می‌زند.

در وهله بعد حاکمیت نهادهای مدنی قرار می‌گیرد. در جامعه توسعه‌یافته نهادهای مدنی به شکل گسترده‌ای حاکمیت پیدا می‌کنند و اقشار گوناگون و به عبارتی سراسر جامعه را در بر می‌گیرند. محور اصلی توسعه سیاسی مشارکت نهادمند و پایدار مردم در اداره جامعه و در عرصه‌های مختلف مداری است. در جامعه توسعه یافته استقرار و گسترش نهادهای مدنی ممکن می‌شود.

یکی دیگر از پارامتر های اصلی توسعه سیاسی چرخش آرام و بدون تنش و بدون خشونت قدرت است. در جامعه توسعه‌یافته از طریق آرای مردم و رقابت سازنده بین احزاب و گروه‌ها چرخش قدرت اتفاق می‌افتد. به عبارتی هیچ جریانی نمی‌تواند برای همیشه و پایدار در عرصه قدرت بماند. در این گونه جوامع مردم براساس بررسی عملکرد و سنجش کارایی و کارآمدی دولت‌ها می‌توانند هر یک از آنها را به راحتی تغییر دهند و دیگری را جایگزین کنند و در برابر آن مقاومتی هم اتفاق نمی‌افتد. از این به بعد می‌توانیم به نقش احزاب در جامعه توسعه‌یافته سیاسی نیز پی ببریم. براساس آنچه پیشتر به آن اشاره کردم احزاب به‌عنوان مهم‌ترین نهاد سیاسی و یکی از ارکان توسعه سیاسی باید مدیریت سیاسی جامعه را برعهده گرفته و آن را اداره کنند. در کنار این ابعاد اصلی طبیعتاً نحوه برخورد با مردم، شهروندان و رعایت حقوق شهروندی نیز از موارد مهمی است که در توسعه سیاسی باید به آن توجه شود.

البته این پارامترها چه در بخش ارکان و ابعاد توسعه سیاسی و چه در بخش موارد قابل تامل و توجه در مسیر توسعه قابلیت گسترش دارد.

■ این ابعاد در جامعه ما به چه شکل است؟

برای انطباق این مساله با شرایط جامعه ما نیز می‌توان گفت همان چیزی که به‌عنوان آموزه‌های اصلاح‌طلبی مطرح می‌شود و به‌عنوان گفتمان مسلط این جریان در جامعه بیان می‌شود به یک معنی همان ابعاد توسعه سیاسی است. این آموزه‌ها برای دستیابی به توسعه سیاسی در جامعه ما باید دنبال شود.

■ کشور ما از سال‌ها پیش -چه پیش از انقلاب و چه پس از آن- برنامه‌هایی را برای دستیابی به توسعه در پیش گرفته است؛ برنامه‌های چشم‌انداز ۲۰ ساله و برنامه‌های اول تا پنجم. این روزها مسئولان مربوطه در تلاشند برنامه ششم توسعه را تدوین کنند. با گذر این سال‌ها به‌عنوان صاحب‌نظر کشور، ما از لحاظ توسعه سیاسی در چه جایگاهی قرار گرفته‌ایم؟

ما در زمینه توسعه سیاسی متأسفانه مشکلات جدی در جامعه داریم. علت آن هم به دو امر باز بر می‌گردد. نخست پیشینه کشور است. در کشور ما مدت بسیاری -پیش از انقلاب- شرایط استبداد پایدار حاکم بوده است و خروج از این شرایط که به انقلاب آغاز شد و ورود به شرایط جدید که مردم‌سالاری و دموکراسی است نیاز به زمان، توان و اقتضات دامن‌دار و پی‌چیده‌ای دارد. در این میان تربیت مستمر و آموزش‌های گسترده، در کنار تمرین‌های مستمر برای آحاد جامعه به‌ویژه دولتمردان و حکومت‌مردان نیز مورد نیاز است. دومین مساله، وجود بینش‌های گوناگون که برگرفته از سنت است و در عرصه سیاسی جامعه ما جایی دارند. اندیشه و افکار این گروه به گونه‌ای است که این ابعاد توسعه سیاسی و آموزه‌های اصلاح‌طلبی را



صغری عباس نژاد
■ کشور ما از سال‌ها پیش برنامه‌هایی را برای دستیابی به توسعه در پیش گرفته است. این روزها با توجه به اینکه در سال پایانی برنامه پنجم توسعه قرار گرفته‌ایم و مسئولان مربوطه در تلاشند برنامه ششم توسعه را تدوین کنند به عنوان صاحب‌نظر کشور اولویت‌هایی که دولت باید در تدوین برنامه ششم مورد توجه قرار دهد را عنوان کنید.

در برنامه ششم توسعه باید استراتژی‌های توسعه لحاظ شود. در برنامه‌های گذشته این امر محقق نشد و بعضاً در شاخص‌های مهمی کاستی‌هایی وجود داشت. اولین موردی که باید توسعه مورد توجه دولت قرار گیرد هدف گذاری درست است. توسعه باید راهبردی باشد، این در حالی است که توسعه اقتصادی ایران در سه دهه گذشته، تحقق آرمان‌های انقلاب را با چالش مواجه کرد. از این رو معتقدم در گام اول اگر دولت چارچوب‌های برنامه ششم را براساس ویژگی‌هایی ازجمله تأکید بر نقش بهره‌وری در اقتصاد کشور و فرآیند صنعتی‌شدن تدوین می‌کند در این راه باید مهم‌ترین، پربازده‌ترین و موثرترین حوزه‌ها در خلق ارزش افزوده را در بین حوزه‌های اقتصادی مختلف برای رسیدن به آینده اقتصادی و صنعتی کشور شناسایی کند.

اگر در برنامه ششم توسعه بر حمایت از صنایع محرک تأکید می‌شود باید هدف کمی از این حمایت در نظر گرفته شود. در گام دوم تبیین برنامه‌ها برای تحقق اهداف در یک چشم‌انداز بلندمدت ضرورت دارد. در گام سوم هم باید به صورت دقیق این برنامه‌ها اجرایی شود یا در واقع اجرایی بودن برنامه ششم توسط دولت تضمین شده و متعهد شود که به هدف‌های کمی مشخصی دسترسی پیدا خواهد کرد. این در حالی است که متأسفانه دولت نهم در ابتدای روی کارآمدنش برنامه چهارم را قبول نداشت و دولت دهم نیز برنامه پنجم توسعه را براساس تعدادی شعار نوشت.

برنی‌تابد. در واقع این افراد در افکار گذشته خود مانده‌اند و چون دست در قدرت و ثروت دارند احساس می‌کنند منافع‌شان با ترویج و توسعه سیاسی به‌خطر می‌افتد بنابراین مقاومت بسیار جدی از خود نشان می‌دهند. این دو مانع عمده‌ای است که در برابر توسعه سیاسی جامعه ایران قرار دارد و همین موضوع موجب می‌شود روند توسعه سیاسی در جامعه ما کند باشد. توسعه سیاسی بر خلاف ابعاد دیگر توسعه، چندان موفق پیش نرفته است. ولی در بعد توسعه اقتصادی و توسعه فرهنگی به مراتب پیشرفت‌های بیشتری داشته‌ایم. اگرچه توسعه بیشتر به مساله اقتصاد توجه دارد اما در بعد فرهنگی هم گام‌های خوبی برداشته شده است. ولی در بعد سیاسی و اجتماعی روند کندتری در پیش گرفته شده است.

■ در برنامه‌های توسعه که پیش از این به آن اشاره شد چقدر به این مقوله، یعنی توسعه سیاسی توجه می‌شود؟

در برنامه‌های توسعه نوعاً به این مساله توجه می‌شود. اما زمان عملی شدن آن است که با مشکل مواجه می‌شویم.

■ یعنی ما در این حوزه با مشکل قانونی روبه‌رو هستیم یا مجریان در اجرای آن اراده لازم را ندارند؟

ما از لحاظ قانونی هم در قانون اساسی، حقوق اساسی و حقوق شهروندان قوانین مربوط به توسعه سیاسی مستحکمی داریم و هم در قوانین دیگر توجه به این مساله کم و بیش وجود دارد. در برنامه‌های پنج ساله توسعه نیز کم و بیش این قوانین گنجانده می‌شود. اما مساله این است که ما در عمل با مشکل جدی‌ای مواجهیم. به عبارتی با این موارد و قوانین عملی نمی‌شوند یا بدعمل می‌شوند. علت اصلی بی‌نتیجه ماندن آن هم تلاش‌های خنثی کننده‌ای است که موجب عقیم ماندن آن یا ساختن اجزای آن می‌شود.

■ پس مهم نیست که نگرارش برنامه توسعه ششم در حوزه سیاسی چه تفاوت‌هایی با دوره‌های قبلی دارد بلکه آنچه اهمیت دارد نحوه اجرای آن و الزامات و ضرورتی است که باید به اجرایی شدن آن بینجامد؟

بله ما باید موانعی را که بر سر راه تحقق این برنامه‌ها و قوانین وجود دارد، از بین ببریم. ما در بخش قوانین مثلاً در زمینه قانون احزاب که یکی از ارکان دموکراسی است قانون داریم که می‌توان گفت قانون نسبتاً خوبی است اما تاکنون به دلیل موانع جدی و گسترده آن، شرایط اجرایی شدنش به وجود نیامده است. ما با موانعی روبه‌رو هستیم که از فعالیت جدی و واقعی احزاب در جامعه منافع می‌کند و موجب شده است احزاب نتوانند فعالیت خود را درست انجام دهند.

■ به چه عوامل احزاب اشاره کردید، قانون جدیدی در این زمینه در مجلس در حال بررسی و تصویب است، آیا این مورد تأثیر مثبتی در توسعه سیاسی می‌تواند بگذارد؟

بله این هم مشکل دیگری در برابر توسعه سیاسی در کشور ماست. متأسفانه با گذر زمان اگرچه باید بیش‌ها بازتر و گشایش‌های جدی‌تری در روند توسعه سیاسی حاصل شود اما در کشور ما عکس آن پیش آمده است و بینش‌های انقباضی حاکمیت بیشتری پیدا کرده است. بنابراین بهترین قوانین مربوط به توسعه سیاسی در کشور ما به همان ابتدای انقلاب جای آن را بگیرد. در مجلس، اگر گروه‌های اصولگرا حاکم باشند ما در آن زمان در شرایط جنگ بودیم و تصور از جنگ این است که در چنین شرایطی قوانین انقباضی تصویب شود. اما امروزه آنان که دلسوز کشور هستند باید با قدرت بایستند تا آن قوانین اجرایی شود و اجازه را ندهند که قوانین جدید و اصلاحی جای آن را بگیرد. در مجلس، اگر گروه‌های اصولگرا حاکم باشند نگاه انقباضی را پی می‌گیرند و اگر جریان اصلاح‌طلب حاکم باشد و نگاه انبساطی را پیگیری کنند و به تصویب رسانند. مثلاً بهترین قانون انتخابات در جامعه به سال ۶۲ و در دوران جنگ بازمی‌گردد که مرتقی‌ترین قانون در زمینه انتخابات است و بیشترین همسویی را با توسعه سیاسی دارد.

■ پس بنابر شرایط فعلی چندان امیدوی بر دستیابی به توسعه سیاسی وجود ندارد؟

نه من با سخن شما موافق نیستم. من امیدوار هستم اگرچه در بخش قوانین چنین مشکلاتی مطرح است اما در جامعه ما روند مثبتی وجود دارد و منافع جامعه‌ای به عبارتی دینامیسم جامعه به گونه‌ای است که راه خود را می‌یابد ولو با تأخیر و کندی. جامعه به سمتی می‌رود که روند توسعه سیاسی را رو به پیشرفت سوق می‌دهد و موانع را به تدریج و به اشکال گوناگون از سر راه خود بر می‌دارد.

نایده‌ها در برنامه‌های توسعه در گفت‌وگوی فرهیختگان با حسین راغفر، اقتصاددان:

دولت‌ها باید اجرای برنامه‌های توسعه را تضمین کنند

■ شما با توجه به اینکه دولت پیشین به نتیجه مطلوب نرسید و برنامه مناسبی هم در آن دوره نگارش نشد به تضمین اشاره کردید. چگونه می‌توان اجرای برنامه توسعه را تضمین کرد؟

اهداف برنامه ششم توسعه اگر به صورت کمی تعیین شود

و در کنار آن پایش برنامه در زمان اجرا از اهمیت برخوردار باشد قابلیت اجرایی پیدا می‌کند. مجری (دولت) هر برنامه اگر توسعه‌ای را در فصول اجرایی پایش کند می‌تواند میزان پیشرفت یا انحراف آن را به موقع متوجه شود و در مقابل این انحراف بایستد. در حالی است که اگر سیاست‌های ابلاغی برنامه ششم توسعه پایش نشود، بعد از مدتی به سرپوش برنامه‌های پیشین دچار می‌شود و ابلاغیه‌های این برنامه هم به شعار تبدیل شده و در نهایت به فراموشی سپرده می‌شود.

■ برای چنین امری احتمالاً به بخش نظارتی قدرتمندی نیز نیاز مندیم تا در کنار پایش برنامه توسعه، ایفای نقش کند. نگاه شما به بخش نظارت بر اجرای برنامه ششم چگونه است؟

خود سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در صورت بازگشایی می‌تواند بهترین ناظر بر اجرای برنامه ششم توسعه باشد، چراکه این سازمان در زمینه اعتبارات نیز فعالیت کرده و خود این اعتبارات را مشخص می‌کند.

در چنین شرایطی بهتر می‌توان بر حسن اجرا و تخصیص منابع نظارت کرد. در همین حال دستگاه‌های نظارتی هر نهاد و وزارتخانه هم باید روند اجرایی برنامه

ششم را در حیطه وظایف تعریف شده سازمان نظارت کنند.

■ این مساله در مقیاس کشوری کار بسیار دشواری است. به عبارتی ما نیاز به پایه‌ریزی چنین روندی داریم. برای اینکه راهکار اجرایی ارائه شود چه روشی پای مسئولان در حوزه نظارت وجود دارد؟

اولین مساله در توسعه، برنامه‌ریزی براساس آمایش سرزمینی است. در تدوین برنامه ششم توسعه باید توازن منطقه‌ای را لحاظ کرد و اجرا و نظارت را به صورت منطقه‌ای در نظر گرفت. اگر تقسیم کار منطقه‌ای صورت بگیرد، برنامه کلان و ملی کشور بهتر از گذشته محقق می‌شود.

■ سر دادان این اختیارات به مناطق در برنامه ششم توسعه باید تا کجا باشد؟

استراتژی برنامه توسعه و البته برنامه ششم با نگاهی کلان و ملی است. نمی‌توان اختیارات اجرا و نظارت برنامه ششم را به استان‌ها تفویض کرد. با این حال باید در برنامه توسعه ششم توان استانی در نظر گرفته شود با این محوریت که هر استان در اجرای برنامه کلان توسعه براساس ظرفیت به مرکز کمک کند. برای مثال اگر هدف صنعتی شدن در برنامه ششم مدنظر قرار بگیرد باید به استان‌هایی که دارای پتانسیل کافی هستند این فرصت را داد تا در برخی سیاستگذاری‌ها پیش قدم شوند.

■ یکی از ابعدی که برای توسعه برشمرده می‌شود توسعه اجتماعی است. معمولاً در کشورهای که به دنبال رسیدن به توسعه پایدار هستند کمتر شاهد توجه و برنامه‌ریزی دقیق در قبال آن هستیم. حتی تعریف دقیقی از آن در این زمینه وجود ندارد. برای شروع بحث تعریفی از این بعد توسعه ارائه دهید.

توسعه اجتماعی به معنای توسعه جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی، مناسبات اجتماعی و ایجاد اعتماد لازم میان گروه‌های مختلف مردم با هم و با دولت است. توسعه اجتماعی با سایر ابعاد توسعه به‌ویژه توسعه سیاسی و فرهنگی رابطه تنگاتنگی دارد، چنانچه در رابطه مردم و دولت این ارتباط کاملاً مشخص است.

■ براساس تعریفی که از این بعد توسعه داشتید، کشور ما در چه جایگاهی از لحاظ توسعه اجتماعی قرار گرفته‌است؟

در این زمینه باید به دو بخش جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی نگاه بیندازیم. این دو بخش باید به شیوه فعال‌تری در جامعه ما مشارکت و حضور پیدا کنند. این مساله با توسعه سیاسی نیز در ارتباط است. از وظایف سازمان‌های غیردولتی می‌توان به این نکته توجه کرد که این سازمان‌ها باید بتوانند بر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و قانونگذاری‌ها تأثیر بگذارند. علاوه‌بر آن این سازمان‌ها در ارتباط با بعد توسعه فرهنگی نیز نقش‌آفرینی می‌کنند. سازمان‌های غیردولتی باید در اجرای قانون و ایجاد فرهنگ پذیرش آن قانون در جامعه نیز فعالیت کنند. البته شاید در جامعه ما از لحاظ تعداد، انجمن‌ها و نهادهایی با چنین رویکردی، کم نباشند اما مساله نوع و میزان فعالیت آنهاست. در بعد اجتماعی یا تعداد انجمن‌ها کم است یا انگیزش لازم برای فعالیت اعضای این نهادشم غیردولتی وجود ندارد. علت این مساله هم ممکن است در نگاه اول عدم نتیجه‌دهی و عدم شرایط نتیجه‌دهی این نهادها باشد و پس از آن عدم استقبال بخش دولتی و به عبارتی بخش عمومی از این نهادها علت ناکارآمدی این سازمان‌هاست. در جامعه ما چون بخش دولتی وزن سنگینی دارد بخش اجتماعی توان رشد چندانی پیدا نمی‌کند و ضعیف باقی می‌ماند.

■ یعنی سیستم دولتی یا به عبارتی سیستم بروکراتیک دولتی مانعی در بخش توسعه اجتماعی به‌شمار می‌رود؟

تعداد زیادی انجمن علمی در کشور وجود دارد اما چون بخش بوروکراتیک دولتی در زمینه علمی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌کند و این انجمن‌ها به بازی گرفته نمی‌شوند، در نتیجه نقش‌شان را نمی‌توانند ایفا کنند و عامل رشد اجتماعی هم نمی‌شوند. بخش اجتماعی (social sector) در مقابل بخش دولت و بخش بازار به‌عنوان بخش سوم شناخته می‌شود که متأسفانه در جامعه ما ضعیف است. این بخش از قواعد خاصی تبعیت می‌کند که نه وظیفه‌اش تولید ثروت اقتصادی است و نه هدفش تولید قدرت سیاسی است. به عبارتی بخش اجتماعی غیرانتفاعی و غیرسیاسی است و به دنبال گسترش کل جامعه و تحکیم مناسبات اجتماعی است. در شرایط فعلی دو عرصه بازار و دولت قوی‌تر از عرصه اجتماعی فعالیت می‌کنند. باید دقت داشته باشیم توسعه اجتماعی نیز به اندازه سایر ابعاد توسعه در کشورمان باید مورد توجه قرار گیرد. اما با این تفاوت که نقش پررنگ‌تری دارد. متأسفانه برنامه‌ریزان ما کمتر به این مساله توجه می‌کنند و از توسعه اجتماعی غافل می‌شوند. در حالی که ذخیره و ظرفیت اصلی هر کشور بخش اجتماعی است نه بخش بازار و دولت. اگر جامعه آن ذخیره و ظرفیت اصلی را داشته باشد، می‌تواند در بخش بوروکراتیک و بخش بازار در مسیر پیشرفت و توسعه قرار گیرد. وقتی سرمایه اجتماعی توانمند باشد کشور می‌تواند توانمند شود و به سمت توسعه گام بردارد.

■ تدوین برنامه ششم توسعه در دستور کار دولت قرار گرفته است. به عنوان صاحب‌نظر برای اینکه ما در مسیر توسعه اجتماعی گام برداریم، چه مواردی باید در این برنامه مورد توجه قرار گیرد؟

■

محمد درویش، مدیر کل مشارکت مردمی سازمان حفاظت محیط زیست:

توسعه اجتماعی و ضرورت آن در گفت‌وگو با محمد امین قانع‌ی‌راد، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران

باید از مهندسی اجتماعی پر هیز شود



در برنامه چهارم اندازه‌گیری و سنجش سرمایه اجتماعی و پایش آن براساس شاخص‌های مربوطه به‌طور سالانه و منتاب مورد توجه قرار گرفته بود. براساس آن قرار بود ضعف‌ها مشخص شود تا بتوانند آن را برطرف کنند.

اما متأسفانه دولت نهم که مجری برنامه بود در زمینه اجرایی کردن این مورد کوتاهی کرد و اجرایی نشد. در برنامه پنجم هم توجهی به بخش اجتماعی نشد زیرا دولت دهم بیشتر جهت‌گیری دولت گرایانه داشت آن هم با رویکردی غیر کارشناسی که نمی‌خواهم بیشتر از این، به آن بپردازم. در نتیجه در ۱۰ سال گذشته توجهی به نقش جامعه و تقویت گروه‌های مختلف اجتماعی نشد بنابراین در برنامه ششم توسعه باید به این قضیه بیشتر پرداخته شود. البته مشکل دیگری نیز وجود دارد و آن هم در کم غلظی است که گاه در زمینه جامعه و بهبود شرایط آن در میان مسئولان به وجود می‌آید. چنانچه گاهی اوقات مسئولان به شیوه‌های مهندسی اجتماعی می‌خواهند جامعه را تقویت کنند که طبیعتاً تأثیر منفی بر جامعه می‌گذارد.

در قضا در چنین شرایطی جامعه با مشکل مواجه می‌شود، مثلاً در این سال‌ها بارها شاهد آن بودیم که بخشنامه‌هایی در راستای جهت دادن جامعه ابلاغ شده است که مسئولان فکر می‌کردند با آن جامعه را تقویت می‌کنند اما در اصل باعث خنده‌دار شدن برخی ساحت‌ها در جامعه شدند. مثلاً وقتی نهادهای حکومتی در هشت سال مذکور برای تقویت خانواده به‌عنوان نهاد اجتماعی ورود کردند و آیین‌نامه‌هایی با نام تحکیم خانواده به میان آمد، شاهد آن بودیم که نه‌تنها جواب درستی از آن گرفته نشد بلکه موجب تضعیف شالوده‌های خانواده شد. علتش هم نبود در ک مناسب نسبت به خانواده بود و ازدواج را از یک مقوله اجتماعی به مساله‌ای مادی و اقتصادی و بخشی از بوروکراتی دولتی تبدیل کردند. اگر نیاز است تغییر در خانواده به‌عنوان بخشی از جامعه حاصل شود باید از خود آن و براساس نگاه جامعه آغاز شود، نه با نگاهی از بالا به پایین یا همان نگاه مهندسی اجتماعی. یعنی نگاه اصلی باید از پایین به بالا باشد. به جای اینکه با وام ازدواج و سکه دادن برای تولد هر فرزند به دنبال ترویج این مسائل باشید باید از لحاظ فرهنگی برنامه‌ریزی کنید، زیرا خانواده نهادی فرهنگی است که نیاز است با توجه به آن برنامه‌ریزی لازم صورت گیرد.

■ برای رسیدن به چنین شرایطی و برای دستیابی به توسعه اجتماعی با توجه به شرایط فعلی کشور چه برنامه‌ای می‌توان طرح‌ریزی کرد؟

در این زمینه با فعال‌سازی نهادهای غیردولتی، نخبگان اجتماعی و ایجاد زمینه برای گفت‌وگوی اجتماعی میان گروه‌های مختلف و برنامه‌ریزی‌های ارتباطی می‌توان به نتیجه رسید. بنابراین اگر به جای قانون‌نویسی و ابلاغ آیین‌نامه‌ای همان چیزی را که در برنامه توسعه‌ایم چاره به آن توجه شده است، پیگیری کنند و با توجه به نگاهی غیردولتی و غیربوروکراتیک که کمی در دولت جدید تقویت شده و از جامعه و با نگاه پایین به بالا بروز پیدا کرده است، می‌توان امیدوار بود در برنامه توسعه بعدی به توسعه اجتماعی به خوبی پرداخته شود. البته اگر نگاه ضعیف غیربوروکراتیک تقویت شود، در غیر این صورت این نگرانی وجود دارد که برای فعال‌سازی بخش اجتماعی راهکارهای بوروکراتیک پیش‌بینی شود که بار دیگر تأثیر منفی خواهد داشت.

محمد درویش، مدیر کل مشارکت مردمی سازمان حفاظت محیط زیست:

محیط زیست، مانع توسعه اقتصادی و صنعتی نیست



مساله شده است و در برنامه ششم توسعه، برای برون رفت از این شرایط باید چه مسائلی را در نظر گرفت؟

اگر قرار است در این روند بازنگری شود شاید بیش از هر چیز باید سازوکاری به وجود آوریم که بتوانیم جلوی تصمیمات عجولانه و غیر کارشناسانه مدیران، بالاخص مدیران سیاسی، پیرامون محیط‌زیست را بگیریم. این را نیز باید به خاطر داشت که زنگ بحران آب، باید پیش از این زده می‌شد فقط از این تابستان. البته این رنگ خیلی وقت است در جامعه و به صورت غیررسمی به صدا در آمده و اگر چاره‌ای برای آن اندیشیده نشود ضرباتی جبران‌ناپذیر به کشور وارد خواهد آمد. ضرباتی که مقدماتش را چند وقتی هست که شاهدیم.

■ پس بی‌توجهی در این زمینه بسیار بوده است و باید به صورت اضطراری و سریع پیگیری آن صورت گیرد. با این اوصاف چه مواردی باید مدنظر مسئولان باشد؟

تصمیم‌گیران باید این را بدانند که طرح‌های انتقال آب بسیار هزینه‌بر و ضرر رسان است، تا حد امکان باید جلوی آن گرفته شود و بوجه آن به سمت افزایش راندام جمع‌آوری آب و آبیاری مکانیسمی سوق پیدا کند. مورد بعد مساله اعتماد است. به خاطر بداخلاقی‌ها یا ناآگاهی، بسیاری از مردم از مسائل پیرامونی محیط‌زیست دورافتاده‌اند. باید مکانیسمی تدوین شود که نگاه امنیتی را به مساله محیط‌زیست بکاهد و از جانبی دیگر دغدغه محیط‌زیست را در میان مردم گسترش دهد و ظرفیت‌های بالقوه در این حوزه را سامان دهدی کند. در کنار همه اینها باید مراکز محلی نیز تجهیز شوند، تا خود محلی‌ها مطالبات زیست‌محیطی را بشناسند و بتوانند به محیط‌زیستی‌ها کمک کنند. این را نیز نباید فراموش کرد که آموزش می‌تواند تأثیرات شگرفی در توسعه زیست‌محیطی داشته باشد. باید بودجه‌ای مشخص برای این امر در نظر گرفته شود. قانون را نیز باید در نظر گرفت. باید قانونی برای مسائل محیط‌زیستی از جمله پسماندها طراحی شود که به راحتی نتوان آن را نادیده گرفت و ضمانت اجرایی درستی داشته باشد.

اما لازمه همه اینها وجود سمن‌ها یا همان NGOهاست که می‌تواند به کنترل فرآیندهای مطرحه بپردازد. برای با گرفتن این سازمان‌ها قاعداً نیاز به قانونی مدرن در این عرصه است. ما برای کشورمان نسبت به جمعیت و سرزمین، حداقل باید ده‌ها ر سمن فعال داشته باشیم که اکنون این رقم زیر پانصد است.

اگر این مسائل در نظر گرفته شود می‌توان امیدوار بود که وضعیت محیط‌زیست ما از این بحران خارج شده و از جانبی دیگر توسعه‌ای نامتوازن با توانمندی‌های اکولوژی کشور شکل نگیرد.